

ضمیمه



گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر

"من يك تقی از دست داده ام"

اما

صدها و هزارها تقی بجای او داریم"

از مادر رفیق شهید محمد تقی شهرام
در سهرگاه دوم مرداد ماه ۵۹

ضمیمه نبرد شماره ۱۵ بهاء ۵ ریال

”من خود را جز خادم و خدمتگذار
نا چیز خلق و انقلاب نمیدانم“
رفیق شهید تقی شهرام

رفیق محمد تقی شهرام

وزیگزا گهای نیروهای جنبش کمونیستی

پرنسیپ حکایت داشت و از آنجا که این موضعگیر-
یها و سیاستهای حاکم بر آن و نیز تغییرات و
تحولاتی که در استمرار زمان و در فراز و نشیب حیات
جنبش انقلابی مان در آنها رخ نموده تنها به
مسئله دفاع و یا انتقاد به شخص رفیق شهرام
اختصاص نداشتند و به هر حال موضوعی جنبشی و
مربوط به چگونگی سمت گیریها و اتخاذ مواضع
نیروهای یاد شده در قبال رخداد های درون جنبش
انقلابی ایران است. ما سکوت در بررسی آنها
را جایز ندانسته و حداقل تذکراتی را در پیرامون
آنها ضروری می یابیم.

یکسال و اندی پیش از این بود که رفیق انقلابی
ما و یکی از چهره های بارز جنبش ضد امپریالیستی-
مان "محمد تقی شهرام" توسط درخیمان رژیم
جمهوری اسلامی بر راستای سیاستهای ضد کمونیستی
و فاشیستی این جمهوری به اسارت کشیده شد.
سکوت محض بسیاری از نیروهای م - ل در قبال
دستگیری رفیق و نیز اعلامیه ها و تراکت هایی که در
آن روزها توسط برخی نیروهای انقلابی میهن مان
و در رابطه با اسارت او انتشار یافت صرف نظر از
مواردی معدود و استثنائی که بعدا بدان خواهیم
پرداخت عمدتا از "جزئی گیریها" راست رویه
التقاطها و موقعیت جوئی های غیر اصولی و بسدون

۱۱۹

گرامی باد خاطره رفیق شهید تقی شهرام!

در روزهای آغاز اسارت رفیق بسیاری از نیروهای ما - ل نه تنها به دفاع از وی اهتمام نکردند که مشخصا با سکوت خوش و حتی در موضعگیری های شفاهی شان دستگیری او را تأیید کردند و بر آن بودند که باید به مجازات و کیفر رسد. این نیروها با دیدی کاملا سازشکارانه و اپورتونیستی به واقعه اسارت رفیق نگریستند و به اظهار نظری پیرامون آن دست نزدند. این سکوت محض مشخصا نشانگر آن بود که آنان حتی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را در محاکمه و مجازات رفیق ذیصلاح تشخیص میدهند. گروههایی مانند اتحادیه کمونیستهای ایران و بسیاری از گروههایی که امروز در "وحدت انقلابی" متشکل هستند، برخی از محافظان و جریانهایی که به "رزمندگان آزادی طبقه کارگر" پیوسته اند از این دسته بودند.

"رزمندگان آزادی طبقه کارگر" در همین حال که دستگیری رفیق را توسط نیروهای ارتجاع محکوم کرد اما در همان اعلامیه و تنها اعلامیه منتشره خود در آن ایام باندازهای انحرافات و اشتباهات وی را عمده کرد که جای چندانی برای تجلی و ابراز پراتیک ممتد مبارزه ضد امپریالیستی اش، سوابق درخشان مبارزاتی اش، واقعیت انقلابی وی و بالاخره درخشش چهره بارز و برجسته انقلابی او در عرصه مبارزات دموکراتیک و ضد سرمایه داری وابسته باقی نگذاشت. این رقفا پس از انتشار تنها اعلامیه ای که متضمن مواضع و نظرگاههای یاد شده بود تا این اواخر سیاست سکوت را در مقابل ادامه اسارت او توسط ارتجاع پیش گرفتند. نه افشاگری مشخصی در این رابطه کردند و نه بطور عملی گامی در این جهت برداشتند. آنان حتی هیچ تماسی با کمیته ای که با هدف "پشتیبانی از زندانیان انقلابی و مبارز" تشکیل شده بود و کار دفاع از این رفیق انقلابی را نیز در دستور قرار داده بود برقرار نکردند.

ب. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر از همان بدو دستگیری رفیق، سیاستهای فاشیستی ارتجاع را محکوم کرد. از آن زمان بیعد اعلامیه -

های در زمینه جانبداری از وی و افشاء توطئه های خائفانه جمهوری اسلامی انتشار داد. فراتر از این وارد پارهای فعالیتهای عملی نیز در جهت فراهم ساختن زمینه های حمایت از او گردید. مع الوصف این سازمان نیز در این گذراهمسال کاری و پاسیفیسم غیر قابل انکاری را از خود نشان داد. بنظر ما این اهمال کاری و پاسیفیسم بطور مشخص در دفاع یکجانبه از موقعیت سازمانی و نه موقعیت جنبش کمونیستی و انقلابی ریشه داشت. رهبری این سازمان در ادامه همان برخورد های توأم با یکجانبه گری و دیدن ضعفها و ندیدن نقاط قوت که پیش از این در دیدگاه خود و از جمله نسبت به رفیق شهرام داشت، علیرغم کوششهایی که برای دفاع از رفیق بعمل آورد موفق به اجرای سیاستی مؤثر نگردید.

رقفا حتی از اطلاق کلمه رفیق در مورد "شهرام" خودداری کردند و برای تبرئه سازمان خود حتی به دلجویی و استمالت از نیروهای خرده بورژوازی پرداختند (توجه کنید به کوتاه آمدن بی جای این رقفا روی انتخاب اسم دانشگاه صنعتی به نام شریف واقفی) و در همین رهگذر اشتباهات شهرام را عمده و عمده تر کردند و اینهم در همین حال در چهارچوب همان سیاست دفاع از سازمان و نه جنبش کمونیستی قابل تحلیل و تفسیر می بود.

گروه ما علیرغم اینکه مدعی اتخاذ سیاستهای مؤثر در دفاع از رفیق شهرام نیست و علیرغم اینکه انتقاداتی را در این بستر بر خود وارد میدانیم بر آن است که حد اقل مواضعی اصولی و سیاستی واقع بینانه در قبال او اتخاذ نموده است. در روزهای دستگیری رفیق، در میان تماسی نیروهای جنبش کمونیستی ما تنها نیرویی بودیم که او را رفیق خواندیم، پراتیک و بار مبارزاتی اش را ستودیم، نقش مؤثر و تعیین کننده اش را در تحولات ایدئولوژیکی سازمان تذکر دادیم، آشتی ناپذیری و مبارزات دموکراتیک و ضد سرمایه داری وابسته او را بحق ستودیم و در همان حال انحرافات و اشتباهات عمیق او را نیز مطرح ساختیم و

نابودباد رژیم سرمایه داری وابسته

مورد انتقاد قرار دادیم .
 و امروز اعلام میداریم که ما تنها نیروی هستیم
 که بدون هیچ پرنسیپ شکنی مواضع آغازین خود
 را در قبال رفیق و در جانبداری از او استمرار
 بخشیدیم . ما هیچ گاه به این تزلزل و زیکراک زد -
 نها نخلطیدیم که یکرور اشتباهات رفیق را چنان
 عمده کنیم که محلی برای تجلی پراتیک ارزنده انقلاب -
 بی اش باقی نگذاریم و روزی او را " وفادارترین
 راهی راه طبقه کارگر ایران " خطاب کنیم . برای
 ما واقعا این پرسش مطرح است که این نیروها
 بین نظرات اولیه شان نسبت به رفیق و انفعالی
 که تا این اواخر در مقابل اسارت وی و توطئه های
 ارتجاع داشته اند با تبلیغات وسیعی که در این
 روزها پیرامون اعدام رفیق آغاز کردند چه رابطه ای
 وجود دارد . آیا موضع گیریهای اخیر واقعا بسا
 هدف دفاع از یک انقلابی کمونیست و دفاع از
 جنبش کمونیستی و انقلابی بوده یا چیزهای دیگر؟
 از دید ما جنبش کمونیستی ایران در امر حمایت
 و جانبداری از رفیق محمد تقی شهرام و در عین حال
 طرح انتقادات مشخص وارد بر وی نیز بسا غالب
 عملکردهای دیگرش دچار راست رویها ، عقب ما -
 ندگیها ، گروه گرایها بوده و بهمین دلیل قادر به
 ایفای نقش فعال در این زمینه نشد و نتوانست در
 دفاع از او و در افشاء توطئه های خائنانانه رژیم
 آنچنانکه شایسته بود گام بردارد . و مهمتر از آن
 جنبش کمونیستی ایران نشان داد که نمی تواند در
 برخورد بنقاط ضعف درون خود مواضع کمونیستی
 اتخاذ نماید ، نمی تواند نقاط ضعف و قوت درون
 خود را در ارتباط دیالکتیکی با یکدیگر و در ارتباط
 با مجموعه سطح تکامل فرهنگی خود ببیند .
 مسئله بر سر این نیست که چرا رفقای پیکار
 هیچوقت شهرام را رفیق خطاب نکردند و تنها
 پس از شهادت او را " رفیق " نامیدند ، مسئله
 بر سر این نیست که چرا " رزمندگان " در ابتدا و
 را رفیق خطاب نمی نمود و تنها در هفته های اخیر
 او را رفیق خطاب کرد و مسئله بر سر این نیست چرا
 وحدت انقلابی تا قبل از هفته های اخیر هیچگونه

حمایتی از او ننمود و هنوز او را " رفیق " خطاب
 نمی نماید ، بلکه مسئله اساسی بر سر اینست که از
 آنجائیکه رفیق یا غیر رفیق خواندن رفیق شهرام
 و هر فرد دیگری بمعنای آنست که او را در زمره
 جنبش کمونیستی میدانیم یا نه ؟ و از آنجائیکه
 شهرام بعنوان فردی که صرف نظر از ضعف های
 فردیش که تعیین کننده نبود ، مجموعه نظرات
 و عملکردهایش در ارتباط با سطح تکامل جنبش
 کمونیستی بود . بنا بر این تمام نیروهای جنبش
 کمونیستی با استثنای گروه ما (رجوع کنید به کتاب
 " گفتگوئی " منتشره در تیرماه ۵۸) در برخورد به
 ضعف های درونی خود در این مورد بخطا رفتند .

رفقای پیکار نیز نسبت به نقاط قوت و ضعف های
 او برخورد یکجانبه نمودند و آنها را در واقعیت
 امر در ارتباط دیالکتیکی با نقاط قوت رفیق شهرام
 و در ارتباط دیالکتیکی با سطح تکامل مجموعه جنبش
 کمونیستی ندیدند . و بهمین خاطر امروز بعد از
 شهادت رفیق شهرام با یک زیکراک و عوض کردن (۱)
 موضع خود نسبت به رفیق ، بدون هیچ گونه توضیح
 لازم بالاخره موضع " رفیق " را در قبال او اتخاذ
 کردند . اکنون این رفقا باید پاسخگو باشند
 که چرا از ابتدا یک موضع اصولی اتخاذ نمودند .
 عین همین سوال در مورد رفقای رزمندگان
 و وحدت انقلابی نیز مطرح است . آنها نیز باید
 پاسخگو باشند ، بخصوص رفقای وحدت انقلابی
 که تا یکی دو هفته قبل از شهادت این رفیق هیچ -
 گونه حمایتی از او ننمودند .

بنظر ما زمینه های قوی روشنفکری در این تشکل
 با توجه بگذشته بسیاری از نیروهای تشکل دهند
 آن که اساسا در محیط لیبرال - پاسیفیستی خارج
 از کشور بحقیقت مارکسیست رسیده اند ، حقیقتی

(۱) - برای دیدن زیکراکها و عوض کردن مواضع
 رفقای پیکار و همچنین رفقای رزمندگان رجوع کنید به
 اعلامیه های زمان دستگیری رفیق و اعلامیه های اخیر
 آنها .

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته ترسازیم

که بسیار آغشته به ناخالصی های غیر مارکیستی است بدانان اجازه نمی دهد که به حقیقت دید -
گاه انقلابی بینش و مشی چریکی علیرغم غیر پرولتری

بودن این مشی و جانپهای وفادارهای پیروان آن دست یابند . و این همان تفکری است که آنها را از دفاع از این رفیق باز داشت



... البته دیگر خوب میدانند که من علیرغم همه تهدیدات و همه وعده و وعیدها هرگز پا را از روی حق و حقیقت و منافع اصولی مردم فراتر نخواهم گذاشت و قدمی که کوچکترین اثری در تضعیف موقعیت نیروهای انقلابی داشته باشد پرنخواهم داشت . حتی به بهای اینکه از حق طبیعی خودم در دفاع در مقابل اتهامات و افتراءات واقعا ناجوانمردانه آنها بگذارم ...
(از نامه رفیق شهید تقی شهرام از زندان انفرادی جمهوری اسلامی)

جلاد ذنکت باد

امپریالیست آشکارتر و عریانتر دریا بند .
محاکمه رفیق شهرام اساسا محاکمه فرد وی نبود ، همچنانکه اعدام او نیز بهیچوجه اعدام شخصی وی نمی توانست باشد .
جلادان جمهوری اسلامی در بیدادگاه و سوء خویش نه رفیق شهرام را که جنبش بحق ضد - امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته مارا به محاکمه کشانیدند . آنان شخص رفیق شهرام را اعظم نکردند بلکه با اعدام وی اعلام داشتند که آماده اند تا همه انقلابیون پیگیر و آشتی ناپذیر را هرچه وحشیانه تر بشهادت رسانند . اینکه رفیق شهرام در جنبش انقلابی ایران چه جایگاهی داشت ، اینکه که بود و چه کرد و در کارزار مبارزاتش چه خود ویژگی‌هایی داشت و ... مسائلی هستند که ما و دیگر نیروهای انقلابی پارها بیش از پیش اگر نه در حد شایسته لااقل به اشارت بیان داشتیم . آنچه باید در اینجا تاکید ورزیم همان سیاست مشخص ، سنجیده و آگاهانه‌ای است که با اعدام رفیق شهرام توسط کارگزاران جدید سرمایه داری وابسته و بطور مشخص دستار بر سران فاشیست هیئت حاکمه بنمایش گذارده شده است .

شهرام " رزمنده آشتی ناپذیر سالهای سیاه دیکتاتوری ، شخصیت انقلابی و پیکارجویی که سالها در رأس یکی از پر خروشتترین سنگرهای قهر انقلابی می‌رزمید و کمونیست جانپازی که علیرغم همه اشتباهات غیر قابل اغماض اش نقشی سنگین و مؤثر در مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران داشت ، پس از ماهها تحمل فشار و شکنجه های جسمی و روحی سرانجام بدست جنایتکاران پیشروم جمهوری اسلامی بشهادت رسید . اعدام این رفیق بدون تردید لکه ننگ دیگری است بر دامن آلوده ارتجاع حاکم و حکام جنایتکار شرع اسلامی . شهادت وی گواه تابنده دیگری است بر ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و سند آشکار دیگری است از راهمه ، وحشت و هراس بیش از حد نیروهای واپسگرای حاکم از سرکشی نیرومند و بالندگی نمایان جنبش کمونیستی و انقلابی ایران . و باز اعدام جنایتکارانه رفیق شهرام هشدار است به همه نیروهای انقلابی جامع‌مان که ماهیت تجاوز - کارانه سردمداران حکومتی ، فاشیستهای دژخیم و جلاد نشسته پراهرمهای قدرت را بیش از پیش باز شناخته و عمق کینه و خشم فوق ارتجاعی آنان را نسبت به انقلابیون جانباز و مبارزان پیگیر ضد -

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

تمامی کوششها و توطئه‌های رژیم برای از بین بردن و برهم زدن صفوف واحد ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی کمونیستها و دموکراتهای مذهبی میباشد. در عین حال تیرباران رفیق شهرام عکس العمل زیوانانه رژیم نسبت به سیلی محکمی است که رفیق تقی شهرام برگونه زرد و کوبه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و سردمداران جنایتکار و مکار آن نواخته است.

تیرباران رفیق انقلابی محمد تقی شهرام ادامه مجموعه سیاستهای مآشات جویانه و خائنانه جمهوری اسلامی با امپریالیستها از یکطرف و از طرف دیگر بعنوان نتیجه منطقی این خیانتها، ادامه مجموعه جنایات و کشت و کشتار و ضرب و جرح این رژیم بر علیه مجموعه مردم زحمتکش و نیروهای سیاسی پاسدار منافع آنهاست.

شما باید بخود بیایید که توانسته اید فرزندی شجاع و سرسخت با اجتماع تحویل دهید، فرزندی که علیرغم تمامی فشارهای روحی و جسمی توانست در مقام یکی از میراث داران، فداکارها و شجاعان و دیگر سنن انقلابی جنبش مسلحانه ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته در مقابل خیانتکاران و جنایتکاران جدید بقدرت خرسنده باشد.

امروز شما باید، بخود بیایید که فرزندان توانسته با خون خود نهال واقعی انقلاب را آبیاری کند همان انقلابی که انقلابیون کمونیست و سایر دموکراتها پاسدار آن هستند.

خورشید حقیقت رفته رفته از افقهای دور دست سر برمی آورد، توده‌های زحمتکش خلق در اثر تجربیات هر روزه خود و افشاگرهای نیروهای انقلابی و کمونیست به تدریج بر ماهیت ضد خلقی این رژیم آگاهی می یابند و مهبای یک مبارزه سرسخت و قهرآمیز بر علیه آن میگردند. بر راستای این اوج گیری مبارزه توده‌هاست که مقاومت و ایستادگی و ادامه مبارزه فرزندان انقلابی شما تا پای جان معنای والایی می یابد.

مجموعه این مبارزات آنچنان ترس و رعبی در دل دشمن افکنده که امروزه خود سردمداران رژیم از سرریا مجبور به اعتراف شدند که آری "ما انقلابی عمل نکردیم" و "دستگاههای ما هنوز طاغوتی است" اما رژیم حاکم از این مظلوم

تیرباران رفیق شهرام بیان بی چون و چرای مناسبات طبقاتی این جمهوری با پیکارگران پیگیر و همیشه توفنده کمونیست و نیز دموکراتهای انقلابی میهن است. این اعدام دقیقاً تکرار مکرر این واقعیت است که ضد خلق برای نابود ساختن رزمندگان خلق او هیچ جنایتی ولو در اشد پیشروی و وقاحت و راهمه ندارد، نشان آنست که ضد خلق برای استوار بقای خود هیچ راهی جز اعدام انقلابیون و در رأس آنها - انقلابیون کمونیست نمیشناسد.

و ما کمونیستها بر دینامیسم طبیعی عملکردهای خویش و بر راستای سنت انقلابی خود و در پاسخ به این جنایت رژیم جمهوری اسلامی هر چه قاطعانه تر اعلام میداریم که آماده ایم تا سرنگونی این حکومت ضد خلقی، تا آن زمان که رژیم جمهوری سرمایه را نیز بدنهال رژیم فاشیستی شاه خائن به زباله دان تاریخ دفن نمائیم هزاران هزار چون رفیق شهرام، توماچها، کاک فوادها و ... را بر آستان انقلاب دموکراتیک و ضد-امپریالیستی ایران نثار نمائیم.

پیام به:

خانواده محترم رفیق شهید تقی شهرام

رژیم جمهوری اسلامی بالاخره در ادامه مجموعه سیاستها و تاکتیکهای تهدید، ارباب فشار روحی و ... نسبت بر رفیق انقلابی محمد تقی شهرام که از یکطرف برای بهره برداری از اشتباهات بخش منشعب سازمان مجاهدین و رفیق شهرام و در نتیجه افشاندن تخم کینه و نفاق میان کمونیستها و دموکراتهای مذهبی بود و از طرف دیگر شکستن اراده رفیق شهرام و در نتیجه تضعیف اراده فولادین انقلابیون کمونیست و مکار تها میباشند، بدلیل مقاومت و سرسختی و سازش ناپذیری رفیق شهرام با شکست مفتضحانه‌ای روبرو گشت.

تیرباران رفیق شهرام از یکطرف کوشش برای تیرباران همه اراده‌های پولادینی است که امروز در راه آرمان والای خلق‌های زحمتکش ما بر علیه این رژیم خود کامه میجنگند و از طرف دیگر ادامه

رضا شاه کوتاه نیامدیم و در مقابل توهم کوتاهی نخواهیم آمد * خواهیم گفت که ما کمونیستها همچنان که برای سرنگونی رژیم فاشیستی شاه ، پیگیرتر مصمم تر و آشتی ناپذیر تر از همه جنگیدیم ، با کمال قاطعیت اعلام میداریم که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که جز حفظ سیستم سرمایه داری وابسته رسالتی ندارد با توانائی بیش از پیش و متکی به مشی پرولتری خواهیم جنگید ■

نمائی ها طرفی بر نخواهد بست . رفیق محمد تقی شهرام با ایستادگی خود در مقابل رژیم نشان داد که نباید گول فریبکارهای این شیادان را خورد .

ما در اینجا از فرصت استفاده کرده و یک بار دیگر تجدید عهد می نمائیم که تا سرنگونی این رژیم لحظهای آرام نگیریم و وظائف انقلابی خود را در جهت آگاهی سیاسی و سازماندهی توده مردم زحمتکش برای سرنگونی این رژیم و کسب قدرت سیاسی ادامه دهیم . و در جواب ارتجاع حاکم در دادگاه فاشیستی رفیق شهرام (که در همین حال میدانیم که پاسخ رفیق شهرام نیز هست) در آنجا که با و گفته بودند " ما در مقابل رژیم محمد



... عمل و زندگی سراسر مبارزه من که

مشمول بر ۱۳ سال فعالیت مستمر سیاسی و انقلابی میشود بخوبی میتواند پاسخگوی باشد که آیا بر پیمان و عهد خود برقرار بوده ام ؟ آیا بر میثاق و عهدی که با خلق خود بسته بودم ، میثاق و عهدی که مرا در راه مبارزه برای کسب آزادی و استقلال میهن و نابود کردن ریشه های ظلم و استثمار در جامعه تا پای جان متعهد می ساخت صمیمانه وفادار بودم یا نه ؟ احتیاجی به پاسخ وجود ندارد زیرا که انتظاری وجود ندارد ، زیرا که تاریخ و توده ها مسلما بهترین قضاوت کنندگان هستند رفیق تقی شهرام

گرامی باد خاطر شهیدای بخون خفته خلق!